

هند و اسرائیل: همکاری راهبردی ام البنین توحیدی*

۹۷

چکیده

این مقاله با بررسی سیر تعاملات هند و اسرائیل در دوران پیش و پس از برقراری روابط رسمی در ابتدای دهه ۱۹۹۰ و نیز تحلیل حوزه‌های منافع مشترک و ابعاد همکاری‌های آنان، به تبیین سطح روابط هند و رژیم صهیونیستی اسرائیل پرداخته است. از منظر نویسنده، مبادلات تسلیحاتی و در مراتب بعد، تجارت و مبارزه با تروریسم، از جمله منافع مشترک هند و اسرائیل هستند و زمینه بسط روابط آنان را فراهم می‌آورند. استدلال مقاله این است که با وجود بسط و تعمیق روابط هند و اسرائیل در سال‌های اخیر، به ویژه در حوزه‌های راهبردی و امنیتی، هنوز نمی‌توان سخن از شکل‌گیری ائتلافی میان دو کشور به میان آورد.

کلیدواژگان: هند، اسرائیل، ائتلاف، انتقال تسلیحات، تروریسم، تهدید

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل
فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی، سال یازدهم، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۹، صص ۹۷-۱۱۰.

رقابت راهبردی ایران و اسرائیل، روابط هر یک از آنان با بازیگران ثالث را برای دیگری مهم ساخته است. از همین روست که هر یک از این دو به روابط دیگری با سایر بازیگران، به ویژه قدرتهای منطقه ای و قدرتهای بزرگ با حساسیت خاصی می نگرند. به همین دلیل است که روابط اسرائیل با کشورهای واقع در محیط پیرامونی ایران، در محافل دانشگاهی و سیاست گذاری ایران با دقت مورد توجه قرار می گیرد. یکی از جنبه های این روابط، رابطه هند و اسرائیل است. نظر به اهمیت این روابط از منظر منافع ملی ایران، این مقاله تلاش دارد تا سیر این روابط و وضعیت کنونی حاکم بر آن را مورد واکاوی قرار دهد. به بیان روشن تر، در این مقاله در پی پاسخ به پرسشهایی از این دست هستیم: چه عواملی در توسعه روابط هند و اسرائیل موثر بوده اند؟ این روابط در چه حوزه هایی رو به توسعه بوده است؟ آیا می توان این روابط را در قالب ائتلاف مفهوم بندی کرد؟ مقاله حاضر، به چهار بخش تقسیم شده است. در بخش اول، مروری گذرا بر سیر روابط دو کشور صورت گرفته است. بخش دوم، به بررسی حوزه های همکاری میان دو کشور معطوف است. در بخش سوم، امکان مفهوم بندی این روابط در قالب ائتلاف مورد بحث قرار گرفته است. در نهایت در بخش چهارم، تاثیرات محتمل این رابطه بر مناسبات ایران و هند بحث شده است.

هند و اسرائیل: از برقراری تا توسعه روابط

برقراری روابط رسمی میان هند و اسرائیل، به دوران پس از جنگ سرد و آغاز دهه ۱۹۹۰ باز می گردد. گرچه هند، اسرائیل را دو سال پس از شکل گیری آن؛ یعنی در سال ۱۹۵۰ مورد شناسایی قرار داد، اما تا پایان جنگ سرد روابط دیپلماتیکی میان دو کشور برقرار نبود. دلایل برقرار نشدن روابط میان دو کشور در دوران جنگ سرد به دستور کار سیاست خارجی هند و فضای بین المللی مسلط در آن دوران باز می گردد. هند به عنوان کشوری پسا استعماری در این دوران، نقشی مهم در مبارزات ضد استعماری ایفا می کرد. تجلی این نقش، در جنبش عدم تعهد بود که هند از بنیان گذاران آن محسوب می شود. از همین رو، این کشور در

سیاست اعلامی خود در دوران جنگ سرد، همواره حامی جنبشهای آزادی بخش بود. طبیعی است که جنبش آزادی بخش فلسطین، به عنوان یکی از مهم ترین جنبشهای این دوره، مورد حمایت هند قرار گیرد. از همین رو بود که هند از جمله اولین کشورهای غیر عرب بود که استقلال فلسطین را به رسمیت شناخت و به جنبش آزادی بخش اجازه تاسیس سفارت خانه در دهلی نو را داد. افزون بر این، اگر چه هند در فضای جنگ سرد همواره در سیاست اعلامی خود بر عدم تعهد تاکید داشت، اما در عمل روابطی گسترده با شوروی داشت و به مرز ائتلاف به این کشور نزدیک شده بود. از دیگر سو، اسراییل مهم ترین مؤتلف خاورمیانه ای غرب بود. بنابراین جهت گیری کلان سیاست خارجی دو کشور نیز در دوران جنگ سرد کاملاً با یکدیگر متفاوت بود. در سطح منطقه ای نیز هند حمایت از جنبش آزادی بخش را ابزاری برای کسب^۱ حمایت دنیای عرب و محدود کردن نفوذ پاکستان در میان آنان می دانست.

ذکر این نکته ضروری است که تعارض رویکرد سیاست خارجی دو کشور و برقرار نبودن روابط میان آنان، به معنای نداشتن تعاملات دوجانبه نبوده است. در این دوران، همواره همکاریهای امنیتی و نظامی میان دو کشور، وجود داشته و در مقاطعی نیز پررنگ شده است. در سال ۱۹۶۳ و در بحبوحه تبلیغات ضد استعماری هند، ژنرال شالیت، رییس وقت ستاد مشترک ارتش اسراییل، مخفیانه به هند سفر کرد و با همتایان هندی خود به مذاکره نشست. اسراییل در جنگ سال ۱۹۶۲ هند با چین و جنگ سال ۱۹۶۹ آن با پاکستان، کمکهای نظامی چشمگیری به این کشور ارایه داد. در مقابل، هند نیز در جنگ سال ۱۹۶۷ اسراییل با اعراب، با ارسال تسلیحات (سلاحهایی که از شوروی دریافت کرده بود) به این کشور کمکهای اسراییل را به نوعی پاسخ گفت. نخست وزیر وقت هند در سال ۱۹۷۹، مهاراجه دسای، از موشه دایان همتای اسراییلی خود برای دیدار مخفیانه از هند دعوت به عمل آورد. از آنجا که روابطی میان دو کشور وجود نداشت، بنابراین دیدار رسمی ممکن نبود.

تعاملات پنهانی هند و اسراییل در دهه ۱۹۸۰ نیز تداوم یافت. در این دهه، ایندیرا گاندی، مجوز همکاری سرویس اطلاعات خارجی هند، شاخه تحقیق و تحلیل را با موساد صادر کرد. پس از ترور ایندیرا گاندی، موساد تمایل بیشتری برای همکاری با سرویس جاسوسی

هند نشان داد و دستگاه‌های الکترونیکی پیشرفته‌ای برای کاربردهای جاسوسی در اختیار این کشور قرار داد.^۲

در دهه ۱۹۸۰ همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی هند و اسرائیل رو به توسعه بیشتر گذاشت، به گونه‌ای که برخی بحثها در مورد طرح مشترک دو کشور برای حمله به تاسیسات هسته‌ای پاکستان به میان آمد. روزنامه‌های پاکستانی در آن مقطع زمانی، مدعی شدند که این طرح از بیم اقدام تلافی‌جویانه پاکستان کنار گذاشته شده است.^۳ ایالات متحده در این دوران، همواره مشوق گسترش تعاملات هند و اسرائیل بوده، نقشی که تاکنون نیز تداوم یافته است. در نبود روابط رسمی میان طرفین، ایالات متحده نقش واسط را در تماسهای آنان با یکدیگر ایفا می‌کرد. در پی دیدار راجیو گاندی از ایالات متحده در سال ۱۹۸۶ استفن جی سولارز، نماینده کنگره آمریکا، زمینه تماس و برقراری روابط نزدیک میان برخی لابی‌های نیویورک با مقامات هندی را فراهم آورد. تلاشهای این لابی‌ها در برقراری روابط رسمی میان دو کشور مهم ارزیابی شده است. به همین دلیل بود که برقراری روابط رسمی میان دو کشور، با فاصله‌ای اندک پس از دیدار ناراسیمها رائو نخست‌وزیر وقت هند از ایالات متحده صورت گرفت. افزون بر این، لابی یهود در آمریکا همواره در جهت تسهیل روابط هند و آمریکا و در جهت منافع هند.^۴ موضع‌گیری کرده و از محور هند-اسرائیل-آمریکا سخن گفته است. با برقراری روابط رسمی میان دو کشور در حوزه سیاسی، تاکنون ملاقاتهای چندی میان تصمیم‌گیران دو کشور صورت گرفته است. از این میان، اسرائیل به دلیل موقعیت ضعیف‌تر اشتیاق بیشتری برای انجام ملاقاتهایی در سطح رهبران نشان داده است. در حالی که عکس این قضیه صادق نیست. عدم تقارن در ملاقاتهای مقامات دو کشور از پایتختهای یکدیگر، به خوبی این موضوع را نشان می‌دهد. از جانب اسرائیل، تاکنون این رهبران از هند دیدار کرده‌اند:

۱. دیدار شیمون پرز، وزیر خارجه وقت اسرائیل، در سال ۱۹۹۳؛
۲. دیدار ازر وایزمن، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، در سال ۱۹۹۷؛
۳. دیدار آریل شارون، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، در سال ۲۰۰۳؛ و
۴. دیدارهای متعدد در سطح وزیران.

♦ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

اما از دیگر سو، تا کنون مقامات هندی تنها در رده وزیر از اسرائیل دیدار کرده‌اند و رهبران هند به دلیل ملاحظات خاورمیانه‌ای و نیز جمعیت عظیم مسلمانان این کشور، هنوز قدم به خاک اسرائیل نگذاشته‌اند. در حوزه تعاملات امنیتی نیز بحث برانگیزترین موضوع، به کمک اسرائیل به هند در جنگ کارگیل با پاکستان در سال ۱۹۹۹ باز می‌گردد. حرف و حدیث‌های فراوانی از کمک‌های حیاتی اسرائیل به هند در این جنگ مطرح شد. این بحث‌ها، به ویژه در پاکستان با قوت بیشتری طرح گشت. اخیراً مارک سوفر، سفیر وقت اسرائیل، نیز بر این کمک‌ها صحنه گذارده است و آنها را واجد ارزش راهبردی برای هند در آن مقطع زمانی دانست.^۵ سایر تحولات روابط دو کشور در دوران پسا جنگ سرد، در قالب بخش‌های بعدی ارایه خواهد شد.

هند و اسرائیل: منافع مشترک

با دقت در سیر برقراری روابط هند و اسرائیل می‌توان دریافت که منافع مشترک مهمی میان دو کشور وجود داشته است؛ منافی که تلاش‌ها برای برقراری روابط را در راستای تثبیت و بسط آن می‌توان تفسیر نمود. با واکاوی سیر روابط دو کشور از ابتدای دهه ۱۹۹۰ تا کنون، منافع مشترک دو کشور را در حوزه‌های زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. مبادلات تسلیحاتی

مبادلات تسلیحاتی را می‌توان مهم‌ترین وجه منافع مشترک هند و اسرائیل و پایه بسط و توسعه روابط دو کشور به شمار آورد. طبیعت این مبادلات به دلیل ماهیت آن به گونه‌ای است که چندان اطلاعات دقیقی در مورد آن وجود ندارد. با این وجود، از کلیات مبادلات تسلیحاتی هند و اسرائیل مطالبی وجود دارد که خود نشان‌دهنده اهمیت این مبادلات در روابط دوجانبه آنان است. از میان این مبادلات موارد زیر از اهمیت بیشتری برخوردارند:

۱. قرارداد فروش هواپیماهای فالکون AEW*؛ این قرارداد که نصب سیستم‌های رادار هشداردهنده سریع ساخت اسرائیل بر روی هواپیماهای روسی بریف را در بر می‌گیرد،

* Airborne Early Warning (AEW)

در سال ۲۰۰۴ منعقد شد. این قرارداد یک میلیارد و یکصد میلیون دلاری، در عمل با دشواریها و تاخیرهایی مواجه شده است؛ به گونه‌ای که تاکنون فقط یک فالکون به هند تحویل داده شده و قرار است دو فالکون دیگر تا سال ۲۰۱۰ در اختیار نیروی هوایی هند قرار داده شود. افزون بر این، هند ابراز علاقه مندی کرده است که سه فالکون دیگر نیز از اسرائیل خریداری نماید. این بخش جدید، به نصب سیستم هشداردهنده سریع بر روی هواپیماهای کوچک تر؛ همچون جنگنده‌های جی-۵۵۰ ساخت ایالات متحده، یا جت‌های ای آر جی ۱۴۵ ساخت برزیل که نیروی هوایی هند آنها را در اختیار دارد، معطوف می‌گردد.

۲. قرارداد فروش سیستم‌های بالونی نظارت و مراقبت: سیستم‌های بالونی نظارت و مراقبت بر مبنای استفاده از بالون برای اهداف نظامی طراحی شده‌اند. این سیستم‌ها، در واقع نوعی رادار به شمار می‌آیند. در چارچوب قرارداد فروش بالون‌های نظارت و مراقبت، هند دو تا چهار رادار EL/M-2083 را از شرکت التای اسرائیل برای نصب بر روی سیستم‌های بالونی مراقبت و نظارت خریداری کرده است. این رادارها قرار است در مرز هند و پاکستان نصب شوند. ارزش این معامله که اخیراً و به عنوان بخش دوم، معامله‌ای بود که طی آن دو رادار از سوی هند در سال ۲۰۰۴ از این شرکت خریداری شده بود، بالغ بر ۶۰۰ میلیون دلار است. با وقوع حوادث خونین بمبئی، احتمالاً هند تعداد بیشتری از این رادارها را برای نصب در مرز پاکستان از اسرائیل خریداری خواهد کرد.^۶

۳. سیستم‌های دفاع هوایی: دو معامله بزرگ در این حوزه میان هند و اسرائیل در حال پیشرفت است: یکی، خریداری موشک‌های باراک-۸ می‌باشد. این موشک‌ها، نمونه پیشرفته موشک باراک است که زمین پایه بوده و مدلهای پیشین آن را نیز اسرائیل به نیروی دریایی هند فروخته است. باراک-۸، با برد ۷۰ کیلومتر، قابلیت هدف قرار دادن هواپیما، هلی کوپتر و موشک‌های کروز را دارد. ارزش این معامله ۱/۴ میلیارد دلار برآورد شده است. دومین معامله در این حوزه، مربوط به سیستم‌های دفاع هوایی اسپایدر است. این سیستم، یک سیستم دفاعی متحرک و زمین پایه است.

۴. پرتاب ماهواره ریسات-۲: در سال ۲۰۰۹ هند اعلام کرد که ماهواره ریسات-۲ را با

موفقیت پرتاب کرده است. در ابتدا اعلام شد که این ماهواره کاربرد صلح آمیز دارد، اما به زودی مشخص شد که صرفاً در راستای برآورده ساختن اهداف نظامی هند مورد استفاده قرار خواهد گرفت. این ماهواره، به سیستم راداری SAR ساخت اسرائیل مجهز است. در واقع، این ماهواره هندی با داشتن این سیستم تا حد زیادی به ماهواره تک سار ساخت اسرائیل شباهت دارد که در سال ۲۰۰۸ به وسیله یک پرتاب کننده هندی در فضا قرار گرفت. پرتاب این دو ماهواره نشان داد که همکاریهای نظامی چین و اسرائیل در حوزه فضایی نیز به سرعت توسعه یافته است.

۵. ارتقای قابلیت‌های جت‌ها و هلی‌کوپترهای نیروی هوایی ارتش هند: در چارچوب این معامله، اسرائیل ارتقای هلی‌کوپترهای MI-24 روسی ارتش هند را به پایان برده است. در بخش دیگری از این توافق نامه، هند خواستار ارتقای قابلیت‌های هواپیماهای ترابری An-32 خود که اساساً اوکراینی‌اند، شده است. ارتش هند حدود ۱۰۰ فروند از این هواپیماها را در اختیار دارد و انتظار می‌رود که نیمی از آنها در چارچوب این پروژه ارتقای قابلیت داده شوند.

۶. فروش نمونه پیشرفته سلاحهای ضد رادار هارپی: اخیراً هند نمونه پیشرفته سلاحهای ضد رادار هارپی را از اسرائیل خریداری کرده است. مشابه این سلاح در گذشته به چین فروخته شده است.^۷ البته مبادلات تسلیحاتی هند و اسرائیل، کاملاً یک سوپه نیست و هند تلاش کرده تا توجه اسرائیل را به برخی تسلیحات ساخت خود جلب نماید، اما از آنجا که اسرائیل عمده نیازهای تسلیحاتی خود را از ایالات متحده دریافت می‌کند، صنعت تسلیحاتی هند در این زمینه توفیق اندکی یافته است. در این راستا در سال ۲۰۰۴ اعلام شد که اسرائیل قصد دارد هلی‌کوپترهای سبک Dhruv را از هند خریداری نماید، اما چندی بعد از این اقدام منصرف شد. اخیراً نیز در همین راستا، خبرهایی مبنی بر علاقه اسرائیل به خرید موشک کروز سوپرسونیک BrahMos هند منتشر شده است.^۸ اما مهم‌ترین جلوه موفقیت صنعت تسلیحاتی هند در این راستا، پرتاب کردن ماهواره اسرائیلی در سال ۲۰۰۸ بود. پرتاب این ماهواره توسط هند، علاوه بر بحث و جنجال‌های فراوانی که برانگیخت، حاکی از این امر بود که همکاریهای دو کشور در زمینه هوا-فضا تا حد قابل توجهی گسترش یافته است.

توسعه مبادلات تسلیحاتی هند و اسرائیل در سالیان اخیر، به گونه‌ای بوده است که

بر مبنای آمار وزارت دفاع اسرائیل، نزدیک به ۵۰ درصد از صادرات تسلیحاتی اسرائیل را هند جذب می‌کند. برخی منابع هندی، حجم قراردادهای تسلیحاتی هند و اسرائیل از سال ۱۹۹۹ تا کنون را حدود هشت میلیارد دلار برآورد می‌کنند و پیش‌بینی می‌کنند که به تدریج، اسرائیل جایگزین روسیه، به عنوان مهم‌ترین صادر کننده تسلیحات به هند شود.^۹ البته آمارهای مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم، نشان می‌دهد که طی سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۴، اسرائیل پس از روسیه با سهمی ۷۱ درصدی از بازار فروش تسلیحات به هند و بریتانیا با سهمی ۹ درصدی، در رده سوم تأمین کنندگان تسلیحات وارداتی هند قرار داشته‌اند و ۶ درصد از واردات این کشور را تأمین کرده‌اند.^{۱۰} با وجود توسعه سریع روابط دو کشور در این حوزه، مبادلات نظامی هند و اسرائیل با چالش‌هایی نیز مواجه است. اگرچه ایالات متحده همواره مشوق بسط روابط اسرائیل با هند بوده و در زمینه مبادلات تسلیحاتی این کشور با هند نیز جز در مواردی محدود محدودیتی ایجاد نکرده است، اما در وضعیت کنونی و با بازتعریف روابط هند و آمریکا، ایالات متحده به رقیب اسرائیل در بازار تسلیحاتی هند مبدل شده است. از آنجا که صنعت تسلیحاتی اسرائیل تا حد قابل توجهی به آمریکا وابسته است و توان صنایع تسلیحاتی ایالات متحده با اسرائیل، قابل مقایسه نیست، از این رو اسرائیل بازنده این رقابت خواهد بود. افزون بر این، گسترش روزافزون مبادلات تسلیحاتی هند با اسرائیل، حساسیتهای زیادی در میان کشورهای خاورمیانه برانگیخته است. نماد این حساسیتهای، پس از پرتاب ماهواره اسرائیلی توسط هند قابل مشاهده بود. در این قضیه، نخست اینکه، فشار ایران و کشورهای عربی باعث شد که تا مدتی پرتاب آن به تعویق بیفتد و دوم آنکه، پس از پرتاب نیز این کشورها مراتب اعتراض شدید خود را به هند اعلام کردند. طبیعی است که با بسط این همکاریها، اعتراضات و نگرانیهای رقبای اسرائیل در خاورمیانه، گسترده تر گردد و بر روابط هند با آنان، روابطی که از جنبه های مختلف برای هند حایز اهمیت ویژه ای است، تأثیرات منفی قابل توجهی بر جای بگذارد.

۲. تجارت و مبارزه با تروریسم

تجارت و مبارزه با تروریسم را می‌توان در رتبه بعدی در ابعاد مختلف منافع مشترک دو کشور هند و اسرائیل محسوب داشت. البته اهمیت این دو حوزه با حوزه فوق‌الذکر قابل مقایسه نیست، اما به هر روی در بسط روابط دو کشور نقش ایفا کرده است. در حوزه همکاریهای اقتصادی، هند تمایل ویژه‌ای به جذب فناوری پیشرفته اسرائیل به ویژه در حوزه کشاورزی از خود نشان داده است. بر اساس آمار وزارت سیاست‌گذاری صنعتی هند، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اسرائیل در هند طی سالهای ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۰۹، رقمی معادل ۲۳/۴۰ میلیون دلار را شامل می‌شود که در رتبه چهارم (۰/۰۲ درصد) در میان سرمایه‌های ورودی به هند قرار می‌گیرد. البته این رقم، سرمایه‌گذاری آن دسته از شرکتهای اسرائیلی را که از طریق آمریکا و اروپا در هند سرمایه‌گذاری کرده‌اند، دربرنمی‌گیرد.^{۱۱} در حوزه تجارت، روابط دوجانبه تجاری و اقتصادی هند و اسرائیل در سالیان اخیر پیوسته رو به افزایش بوده است.

این روابط از تجارت الماس در سال ۱۹۹۲ که رقمی معادل ۲۰۰ میلیون دلار را شامل می‌شد، به سرعت متنوع‌گشت؛ به گونه‌ای که تا سال ۲۰۰۸، به بیش از چهار میلیارد دلار رسید. این رقم نسبت به سال ۲۰۰۷، رشدی ۲۱/۴۷ درصدی را نشان می‌دهد. در مجموع، هند سومین شریک تجاری بزرگ اسرائیل در آسیا و دهمین شریک تجاری آن به شمار می‌آید.^{۱۲} البته در سال ۲۰۰۹، در پی بروز بحران مالی جهانی، حجم تجارت دوجانبه هند و اسرائیل نیز کاهش چشمگیری به خود دید. بر مبنای آخرین آمارها، حجم روابط تجاری دو کشور در سال ۲۰۰۹، به ۲/۹۸۳ میلیارد دلار کاهش یافته است که از این میان، ۱/۱۵۷ میلیارد دلار سهم صادرات هند به اسرائیل و ۱/۸۲۵ میلیارد دلار نیز سهم صادرات اسرائیل به هند بوده است.^{۱۳} با رشد روزافزون تجارت دو کشور در سالیان اخیر، اسرائیل در سال ۲۰۰۷ پیشنهاد انعقاد موافقت‌نامه تجارت آزاد را با طرف هندی مطرح کرد که اخیراً و در ابتدای سال ۲۰۱۰، دولت هند به آغاز مذاکرات مربوط به انعقاد این موافقت‌نامه تمایل نشان داده است. در سفر اخیر وزیر تجارت هند به اسرائیل، وی اعلام داشت که هند از میان ۲۰ کشوری که خواهان انعقاد موافقت‌نامه تجارت آزاد با این کشور هستند، اسرائیل را در صدر قرار داده است. اسرائیل

که تنها با ایالات متحده، اتحادیه اروپا، کانادا و اردن موافقت نامه تجارت آزاد منعقد کرده است، اگر بتواند با هند به این توافق دست یابد، در واقع درهای بازار ۱/۲ میلیارد نفری و یکی از سریع ترین اقتصادهای در حال رشد را به روی خود گشوده است. از همین روست که برخی پیش بینیها حکایت از آن دارد که اگر این موافقت نامه منعقد گردد، حجم تجارت دو کشور در فاصله پنج سال، به ۱۲ میلیارد دلار افزایش یابد.^{۱۴}

افزون بر حوزه تجارت که منفعت مشترک زمینه همکاری دو کشور را فراهم آورده است، آسیب پذیری مشترک آنان در حوزه تهدیدات فراملی نیز زمینه دیگری برای همکاری میان هند و اسرائیل ایجاد کرده است. دو کشور، تروریسم را تهدیدی مشترک تعریف کرده و مبارزه با آن را حوزه ای مهم برای همکاری مشترک میان خود برشمردند. شاهد این مدعا آنکه، در دیدار آریل شارون از هند در سال ۲۰۰۳ یکی از مفاد اصلی اعلامیه مشترک دو کشور را نهادینه کردن همکاریها در حوزه مبارزه با تروریسم تشکیل می داد. در این راستا، تا کنون دو کشور، مانورهای مشترکی برگزار کرده اند و ارتش اسرائیل به نیروهای ویژه امنیتی هند آموزشهای ضدتروریسم ارائه داده است. هند علاقه مند است که از تجارب اسرائیل در مبارزه با گروههای فلسطینی، به ویژه در غزه برای مقابله با گروههای جهادی در کشمیر و سایر گروههای استقلال طلب این کشور استفاده کند. در این راستا، نیروهای امنیتی ویژه هند از تاکتیکهای نیروهای دفاعی اسرائیل در غزه و کرانه باختری به گونه ای گسترده برای مقابله با تروریسم استفاده کرده اند. افزون بر این، اسرائیل انواع تجهیزات مبارزه با تروریسم را نیز در اختیار هند گذاشته است و دو کشور در زمینه فعالیت گروههای تروریستی و جلوگیری از پولشویی برای تأمین مالی اقدامات تروریستی به تبادل اطلاعات پرداخته اند. همکاریهای دو کشور در این حوزه به ویژه پس از واقعه یازده سپتامبر ۲۰۰۱، گسترش چشمگیری یافت؛ به گونه ای که در سال ۲۰۰۳ بارش میشر، مشاور امنیت ملی دولت هند، در سخنرانی ای که در کمیته یهودیان آمریکا ایراد کرد، پیشنهاد تشکیل ائتلاف سه جانبه هند-اسرائیل-آمریکا برای مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی اسلامی را مطرح نمود.^{۱۵}

ائتلاف هند و اسرائیل

با گسترش و تعمیق روابط هند و اسرائیل در دوران پسا جنگ سرد، در بخش مهمی از ادبیاتی که در مورد این روابط منتشر شده است، سطح این رابطه در قالب ائتلاف تعریف شده است.^{۱۶} به نظر می‌رسد در این ادبیات، مفهوم ائتلاف به درستی به کار نرفته است. گرچه مفهوم ائتلاف نیز مانند سایر مفاهیم روابط بین الملل، تعریف واحدی ندارد، اما در تعاریف مهمی که از این مفهوم وجود دارد، یک نکته مشترک دیده می‌شود و آن، اینکه ائتلاف در برابر تهدید مشترک شکل می‌گیرد و مؤتلفین، به دفاع از یکدیگر در مقابله با آن تهدید متعهد هستند.^{۱۷}

۱۰۷

در این چارچوب در وضعیت فعلی، تهدید مشترکی پیش روی هند و اسرائیل وجود ندارد تا آنان به تشکیل ائتلاف وادار شوند؛ محیط امنیتی هند و اسرائیل تا حد قابل توجهی با یکدیگر متفاوت است و از این رو، سنخ تهدیدات پیش روی آنان نیز متفاوت است. اسرائیل کشوری است که همواره بقای آن با تهدیدات جدی مواجه بوده و در محاصره دشمنان خود قرار دارد. این تهدیدات، ریشه در سرزمینهای اشغالی و نیز حمایت کشورهای خاورمیانه از جنبشهای مقاومت دارد. در حالی که هند، کشوری با قدمت تاریخی و سرزمین، جمعیت و موقعیت راهبردی ویژه است؛ به گونه‌ای که نه تنها تهدیدی حیاتی متوجه این کشور نیست، بلکه با ارتقای قدرت ملی این کشور در سالیان اخیر، راهبرد کلان خود را در جهت نیل به موقعیت قدرتی بزرگ در سیاست بین الملل قرار داده است. مهم‌ترین تهدید سنتی هند، پاکستان است که در سالیان اخیر با توجه به افزایش شکاف در قدرت دو کشور، مقابله با این تهدید برای هند امکان‌پذیرتر و سهل‌تر از گذشته شده است. تهدید درازمدت و بالقوه هند در وضعیت فعلی، خیزش چین و قدرت‌یابی آن است که ابزارهای موازنه در برابر چنین تهدیدی، با ائتلاف با بازیگر متوسطی چون اسرائیل قابل دستیابی نیست.

از همین روست که دو کشور در میان طیف تهدیداتی که با آن مواجهند، تروریسم را به عنوان تهدید مشترک خود برشمرده‌اند و در برخی سطوح تصمیم‌سازی، آن را زمینه‌ساز ائتلاف دانسته‌اند. اما این امر که آیا تروریسم به عنوان یک تهدید نوین می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری

ائتلاف میان کشورها شود، جای تأمل دارد. جنگ افغانستان و عراق، دو نمونه از تأثیر تروریسم بر ائتلافها را نشان می‌دهد. در جنگ افغانستان، ناتو به عنوان مهم‌ترین ائتلاف در دوران پس از جنگ دوم جهانی علیه این تهدید نوین وارد عمل شد، اما در ادامه دچار اختلافات حادی بر سر نحوه مقابله با این تهدید مبهم شد. در قضیه حمله به عراق برعکس، این تهدید نوین موجبات شکاف در ائتلاف فرآتلانتیکی را فراهم آورد. در واقع، ائتلافها به طور سنتی در مقابل یک دولت تهدیدگر و نه بازیگران غیردولتی شکل گرفته و تداوم یافته‌اند. در دوران پساجنگ سرد نیز هنوز ائتلافهای معناداری برای مقابله با تهدیدات ناشی از بازیگران غیردولتی شکل نگرفته است. در مورد مدعای برخی سیاست‌گذاران هند و اسرائیل برای شکل دهی به ائتلاف در برابر تروریسم نیز آنچه در عمل سیاست خارجی و امنیتی دو کشور دیده می‌شود، نوعی همکاری امنیتی نزدیک برای مقابله با این تهدید است که موارد مشابه آن در میان بسیاری از کشورها وجود دارد. اما در هنگامه‌ای که این دو به جنگ تروریسم- با تعریفی که از آن دارند- رفته‌اند یا در معرض حمله تروریستی قرار گرفته‌اند، واکنش دیگری متناسب با واکنش یک موتلف نبوده است. در جنگ اسرائیل علیه لبنان و نیز در جنگ غزه، هند موضعی نزدیک به بی‌طرفی اتخاذ کرد. از دیگر سو، در پیامد حمله تروریستی به بمبئی که برخی روزنامه‌های هندی آن را یازده سپتامبر هند خواندند، واکنش اسرائیل فراتر از محکومیت و احتمالاً کمکهای امنیتی مخفیانه نبود. از این رو، به نظر نمی‌رسد که تهدید مبهم تروریسم که هر دو قدرت دهه هاست با آن مواجه هستند، زمینه‌ای برای ائتلاف آنان با یکدیگر را فراهم آورد.^{۱۸} البته نباید فراموش کرد که در ذیل عنوان کلی تروریسم آنچه برای هند اهمیت دارد مبارزات و اختلافاتی است که در کشمیر جریان دارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث ارایه شده، می‌توان گفت که روابط هند و اسرائیل از دهه ۱۹۹۰ تاکنون به سرعت رو به توسعه و تعمیق رفته است. در این میان، بی‌شک مبادلات تسلیحاتی و همکاریهای راهبردی- امنیتی نقش اصلی را ایفا کرده است. اسرائیل، از مزیت خود در حوزه فناوریهای نظامی در بسط روابط با هند، بهره برده و هند نیز با دریافت این تسلیحات، موقعیت خود در موازنه قوای منطقه‌ای را بهبود بخشیده است. افزون بر این، تهدید مشترکی به نام

تروریسم نیز در بسط همکاریهای میان دو کشور در این حوزه‌ها مؤثر بوده است. با این وجود، همان‌گونه که در متن توضیح داده شد، بسط همکاریهای طرفین با اولویت حوزه امنیتی-راهبردی را به سادگی نمی‌توان به معنای شکل‌گیری نوعی ائتلاف در معنای سنتی و رایج آن میان این دو کشور دانست. البته برخی معتقدند که مفهوم ائتلاف در دوران پساجنگ سرد دچار تغییر شده است و مشارکت راهبردی را که قالب شایع همکاری میان کشورها در این دوران بوده است، می‌توان ائتلاف به معنای نوین آن محسوب داشت. اما این‌گونه بازتفسیرها از مفهوم ائتلاف، هنوز در حاشیه مباحث امنیت بین‌الملل قرار دارد. افزون بر این، هنوز ادبیات نظری معطوف به مفهوم بندی مشارکت راهبردی، در مرحله جنینی قرار دارد؛ به گونه‌ای که هنوز حتی تعریف مشخصی از این مفهوم نیز ارایه نشده است.

کشورها می‌توانند برخی نیازهای راهبردی یکدیگر را برآورده سازند، اما این امر به معنای شکل‌گیری ائتلاف میان آنان نیست. شرط لازم برای شکل‌گیری ائتلاف، وجود یک تهدید مشترک علیه دو یا چند بازیگر است؛ تهدیدی که آنان را وادار به همکاری و هماهنگی در مقابله با آن نماید. چنین تهدید مشترکی در وضعیت فعلی علیه هند و اسرائیل وجود ندارد تا زمینه شکل‌گیری ائتلاف میان آنان فراهم آید. همان‌گونه که نشان داده شد، تروریسم به دلایل مختلف، از قابلیت لازم برای شکل‌دهی به یک تهدید مشترک علیه دو کشور برخوردار نیست. بنابراین، سطح روابط هند و اسرائیل با توجه به توسعه و تعمیق سریع آن در دهه‌های اخیر را می‌توان همکاری راهبردی نامید؛ سطحی که گرچه در آن تعاملات امنیتی دو کشور تنگاتنگ است، اما با مرحله ائتلاف به عنوان عالی‌ترین مرحله روابط دوجانبه کشورها، فاصله آشکاری دارد. از یک سو، چشم‌انداز آتی روابط دو کشور، از رقابت راهبردی هند با چین و پاکستان، و از دیگر سو، از امکان گسترش مبادلات تسلیحاتی هند با آمریکا، تاثیر خواهد پذیرفت. فراز و فرود رقابت راهبردی هند با رقبای سنتی خود در منطقه، به طبع نیاز آن کشور به تسلیحات پیشرفته اسرائیل را کاهش یا افزایش خواهد داد و بر سیر روابط دو کشور تاثیر خواهد گذاشت. از دیگر سو، اگر حضور آمریکا در بازار تسلیحاتی هند گسترده گردد، اهمیت سلاحهای اسرائیلی برای هند نیز کاهش خواهد یافت؛ امری که تاثیرات تعیین‌کننده‌ای بر چشم‌انداز این روابط خواهد گذاشت.

پاوقیہا:

1. R. Ginat, "India and the Palestine Question: The Emergence of the Asio-Arab Bloc and India's Quest for Hegemony in the Post-Colonial Third World," *Middle Eastern Studies*, 2004, 191-196.
2. H. V. Pant, "India-Israel Partnership: Convergence and Constrains," *Middle East Review of International Affairs*, 2004, 63-67.
3. B. Blechman, *Pakistan and Israel*, Washington, DC: Stimson Center, 2009.
4. S. Ramana, "Where Phalcons Dare :India Israel Relations," *IPCS ISSUE BRIEF*, 2008, 4-6.
5. M. Sofer, *Israel Helped India Turn Around Kargil War?*, New Delhi: Rediff India Abroad, 2008.
6. "Israeli Aerostates for India" (2010,01,04), Retrived ..3,21,2010, from America at War: <http://afpakwar.com>
7. Y. S. Shapir, "Israels Arms Sales to India," *Strategic Assessmen*, 2009, 30-32.
8. Ibid.
9. P.R. Chari, "India and Israel to Strenghten Defence Relations," (2009,12,02), Retrived 02,19,2010, from IPCS: www.ipcs.org
10. B. Mark, "SIPRI Arms Transfers Data," (2009,06,29), Retrived 11,21,2008, from 2008 SIPRI Fact Sheet: www.sipri.org
11. P.D. Wezeman, "Bilateral Relations: latest Developments," (2009,12,02), Retrived 02.04,2010, from Embassy of Israel-New Delhi: www.delhi.mfa.gov.il
12. K. Bhattacharjee, "India-Israel: Guerrilla Trade," Retrieved 03 12, 2010, from Israel Forum: <http://www.israelforum.com>
13. "Trade and Commerce," (2010, 01 18), Retrieved 03 23, 2010, from Embassy of India in Tel Aviv: <http://www.indembassy.co.il>
14. J. Lamont, & M. Wolf, (2010, 02 12), "India Prioritises Israel on Trade Pact," Retrieved 02 19, 2010, from *Financial Times*: <http://www.ft.com>
15. P. R. Kumaraswamy, "Israel-India Relations: Seeking Balance and Realism," *Israel Affairs*, 260-267.
16. M. Hafeez, (2009), *Indo-israel Relations and the Mumbai Attacks. Reflections*, 1-2.
17. S. M. Walt, (2009), "Alliance in Unipolar World," *world politics*, 86-120.
18. R. D. Desai, & X. Dormandy, (2008, 09 21), "Indo-Israeli Relations: Key Security Implications," Retrieved 12 23, 2010, from Belfer Center: <http://belfercenter.ksg.harvard.edu>